

اقتصاد



تخلف برخی بانک‌ها در گرفتن ضامن

صف وام از دواج طولانی تر شد

صفحه ۸

افزایش قیمت نفت و در دسرهای جدید برای انتخابات آمریکا
**سایه سنگین تصمیم
اوپک پلاس بر سر بایدن**

از کمیبود پرستار تا اضافه کار اجباری
**پرستاران هم نیاز به
مراقبت دارند**

بازی جدید ضلع سوم اصولگرایان
**انتخابات مجلس دوازدهم
پیچیده تر شد!**

برندهای طرفدار رژیم غاصب چگونه فرانشیز می دهند

تحریم کالاهای

حامی اسرائیل

از زمان شعله‌ور شدن آتش جنگ بین نیروهای فلسطینی و رژیم اشغالگر صهیونیستی، در بسیاری از کشورهای اسلامی شاهد موج بلند تحریم کالاهای رژیم غاصب و حتی شرکت‌های غیر اسرائیلی حامی آن هستیم.

بیش از یک ماه از آغاز درگیری نظامی بین نیروهای مقاومت فلسطینی و رژیم اشغال‌گر صهیونیستی می‌گذرد. برخلاف درگیری‌های قبلی اما این بار موضوع تحریم کالاهای صهیونیستی به طور جدی از سوی مردم بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای اسلامی پیگیری می‌شود.

در مالزی بسیاری از مردم خرید برندهایی نظیر کوکاکولا، کیک کت، کولگیت، و اسپرینگلز را متوقف کرده و فعالان مدنی با حضور در فروشگاه‌ها عکس کودکان قربانی حملات رژیم صهیونیستی در غزه را برای آگاه کردن مردم نسبت به حمایت شرکت‌های تولید کننده این محصولات از ماشین کشتار رژیم صهیونیستی، روی این کالاها می‌چسبانند.

در مالزی مردم به طور جدی پیگیر تحریم کالاهایی هستند که شرکت‌های تولید کننده آنها مستقیم یا غیر مستقیم در حمایت از رژیم صهیونیستی دست دارند. در این مسیر البته مردم مالزی تظاهرات‌های زیادی نیز در حمایت از مردم فلسطین و به خصوص مردم مظلوم غزه انجام داده‌اند.

شرح در صفحه ۵

سخن نخست

اسرائیل، مزاحم حتی برای آمریکا

با رای ممتنع آمریکا، بالاخره پس از گذشت ۴۰ روز از جنایات رژیم صهیونیستی علیه اهالی غزه، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه آتش بس موقت در نوار غزه را تصویب کرد. این قطعنامه که به پیشنهاد مالت و با رأی مثبت ۱۲ کشور تصویب شد از نادر قطعنامه‌هایی بود که با حق وتوی آمریکا مواجه نشد. در این رابطه نکات زیر قابل توجه است.

۱. اگرچه تاکنون رژیم صهیونیستی از اجرای این سند بین المللی و پذیرش آتش بس، خودداری کرده اما رای ممتنع آمریکا به عنوان شریک اصلی جنایات اسرائیل، نشان می دهد که واشنگتن قصد ندارد مانند گذشته به این رژیم چک سفید داده و بدون چون و چرا از آن حمایت کند.

ادامه در صفحه ۲



محمسن پاک آیین



بیشترین درگیری‌ها پس از پایان جنگ جهانی دوم در دو سال گذشته

جهان در حال جنگ است!

صفحه ۷

یادداشت

مبادرت به اقدامات شرور آمیز!

مسائل مهم دیگری هم هست که بجای خود در آینده ذکر خواهد شد اما توصیه من به آنهایی که در این برهه از تاریخ مسئولیتی در این خصوص در شهر و کشور دارند، با تغییر صورت مشکل و یا کم رنگ کردن آن تغییری نه تنها در تبعات زلزله تهران رخ نخواهد داد بلکه غفلت حاکم موجب تشدید اثرات آن در ابعاد وحشتناک خواهد شد. توصیه جدی دارم، با حمایت رهبری (چون متأسفانه کاری جدی صورت نگرفته است علی‌رغم شعارهای زیبا) وزیر مشاور یا نماینده ای در مجلس با تمرکز بر زلزله و بخصوص زلزله تهران و مدیریت بحران حاصله در دستور کار مقامات کشوری قرار بگیرد تا با کمک دستگاههایی که در قوانین بصورت ضعیف، موازی و حتی گاهی بی مورد تعریف شده اند و عملاً خود باعث کندی فرایند بهبود شرایط مدیریت زلزله می باشند وارد عمل شود. حال می بینید چرا تهران را برای ایران در زلزله آتی نمی توانیم از دست بدهیم!!!

باور بفرمایید کسی از بیان این مطلب مسرور نمی شود، علم موجود روز، می گوید، زمان سریع درحال اتمام است و شرایط تهران هر روز در مقابل زلزله درحال بحرانی تر شدن و بنظر بنده ناچیز معلم، آنهایی که به این مهم بها نمی دهند و هر روز هشدارهای علمی را از مسیر واقعیت‌ها منحرف و سیاسی قلمداد یا تهدید می نمایند دشمن مردم ایران زمین و ایران اسلامی هستند- فرقی نمی کند دوست نادان باشند یا دشمن دانا!

زلزله تهران بهتر برای عزیزان مسئول روشن و درک شود، ان شاءالله فهرست وار عرض می کنم، بشرح ذیل:

۱- تهران پایتخت ایران است و مرکز اصلی فعالیتهای کشور از ابعاد سیاسی، لشکری، دولتی، اقتصادی، فرهنگی، سلامت و غیره. از دست دادن این شهر یعنی پایان بسیاری از فعالیتهای عمده کشور که نوعی فلج و از کارافتادگی ارکان اصلی و ساختاری بزرگ را برای حاکمیت ایجاد خواهد کرد!

۲- تمرکز انسانی شاید در طول روز، تا ۱۴ میلیون نفر که هر یک به نوعی بصورت شاخه ای به افراد دیگر در کشور متصل بوده و از دست دادن تعداد انبوهی از مردم تهران در زلزله عملاً کل کشور را بصورت محسوسی درگیر خواهد نمود!

۳- اسکان، درمان، تامین امنیت، تامین مایحتاج عمومی، آتش سوزی فراگیر بعد از زلزله و ناتوانی در تردد، هجوم مردم غیر تهرانی و شهرهای حاشیه نشین و پیرامونی آسیب دیده به تهران برای تامین ضروریات زندگی، بزهکاری، کمیبود امکانات امداد و نجات، نبود امکانات بیمارستانی، قطع شریانهای حیاتی مثل آب، برق و گاز و انبوهی از مسائل عمده دیگر که بهتر است فعلاً بیان نشود، حل این مسائل امری عملاً غیر ممکن خواهد شد اگر فکری درباره آنها از پیش نشده باشد و برنامه ای کامل برای آن نداشته باشیم!

۴- ورود دولتهای دوست و دشمن در قالب تیمهای امدادی و غیر امدادی حتی ورود نظامیان دیگر کشورها و ... به تهران و شاید هم

چرا تهران را برای ایران در زلزله نمی توانیم از دست بدهیم!



فریبرز ناطقی الهی
سالمای زیادی است که عالمان زلزله شناس و مهندسان زلزله دنیا و کشور در خصوص زلزله سهمگین تهران بارها و بارها هشدار می دهند. در مقابل بخصوص در دوره اخیر شهرداری، از نیامدن زلزله بزرگ در تهران و تهدید قضایی دانایان زلزله در صورت ارائه دادن مطالعات سناریو بیس خود و غیره صحبت می شود!

از ساخت هتل بلند مرتبه در مجاورت و در حریم گسل و از احداث بزرگترین ورزشگاه کشور در منطقه لرنه خیز جنوب غربی تهران صحبت می شود؟! بنظر می رسد ناتوانی در مدیریت زلزله تهران توسط شهرداری، رویکرد جدیدی را برای متولیان اصلی شهر فراهم ساخته و آن تغییر صورت مسئله و پاک کردن کل آن می باشد! تصور نمی کنم کسی در دنیا باشد که به زلزله احتمالی و هولناک تهران در آینده نه چندان دور معتقد نباشد بخصوص در نزد صاحبان علم زلزله در دنیا و ایران! بحث های دقیق در خصوص موضوع، بصورت کامل در مراجع علمی بسیار زیادی فارسی و خارجی مکتوب می باشند که می شود به آنها رجوع کرد. اما در این یادداشت به بعد اینکه چرا نمی توانیم تهران را به زلزله بپذیریم تمرکز می کنم، باشد که کمی درد

طنز

سفر عالیجناب شی به سانفرانسیسکو و تظاهرات چینی‌ها!



محمدرضا اسلامی
این چند هفته گذشته خیابانهای سانفرانسیسکو بارها شاهد خروش و تظاهرات فعالین اجتماعی برای فراخوان به «آتش بس» و توقف خونریزیهای اخیر بوده است. اما سانفرانسیسکو کجاست؟

این شهری است در شمال منطقه Bay Area. بی اریا در کالیفرنیا، یک خلیج و یک نقطه کلیدی در دنیای تکنولوژی است. در ضلع شمالی این خلیج، شهر سانفرانسیسکو قرار دارد و در جنوب این خلیج سلیکن ولی. در قسمت شرق این خلیج دانشگاه برکلی قرار دارد و در قسمت غرب آن دانشگاه استنفورد.

آزمایشگاه معروف Lawrence Lab (https://en.wikipedia.org/wiki/Lawrence_Berkeley_National_Laboratory) هم در شرق این خلیج واقع شده (جایی که ده ها برنده جایزه نوبل در آن کار کرده/می کنند). شرکت تسلا و کارخانجاتش در همان نزدیکی Lawrence است و دفتر تویتر (X) هم در شمال خلیج.

بدیهی است که بخشی از بار تکنولوژی در شرکتهای فناوری بر دوش چینی ها و هندی هاست. لذا در این خلیج بی اریا، شمار قابل توجهی از شهروندان چینی حضور دارند.

امروز رئیس جمهور چین برای اجلاس آسیا-پاسیفیک به سانفرانسیسکو آمد. از آن سمت کشور هم جو بایدن و خانم کمالا هریس برای دیدار با آقای شی به سانفرانسیسکو آمدند. نکته جالب اما برابرم مشاهده تظاهرات شهروندان چینی و حمل پرچم کشورشان در استقبال از حضور عالیجناب شی در این شهر بود! شهروندان چینی که این مدت در هیچ یک از کنشهای مدنی مربوط به خونریزیهای اخیر حضور نداشتند، اما امروز در خیابانهای همان شهر به استقبال عالیجناب آمده بودند.

شش سال از عمرم در شرق آسیا صرف شد و هنوز متحیرم از این جماعت. نسبت به هیچ اتفاقی در این عالم اینها حساسیتی ندارند الا آنچه که به «امور خودشان» و اقتصادشان مرتبط باشد. چینی ای که برای هیچ رویدادی در این عالم حاضر به خیابان آمدن نیست، وقتی اسم سفر رئیس جمهور کشورش می شود پای کار است و وسط خیابان!

آنهم با این پرچمهای درشت و قرمز جیغ. اینکه انسان در دنیای امروز متعصب با منافعش و اکثش نشان می دهد امر عجیبی نیست. قساوت قلب در انسان امر بعیدی نیست. ولی تمدن چینی و «اقتصاد محور» بودن تفکر مردمان آن سرزمین باعث حیرت است.

سرزمینی که از تمام وسعت آن در این سالها یک رسانه یا یک روزنامه یا یک اثر هنری شاخص بیرون نیامده ولی هر روز هزاران هزار «کانتینر کالا» بیرون می آید و به سرزمینهای دیگر گسیل می شود. عالیجناب شی خوش آمدی به سانفرانسیسکو.

یادداشت

شهرسازی کم کردن خودروها و ساده کردن زندگی جهت کاهش آلودگی و حفظ سلامت مردم است.

بدون اغراق بگویم که من شاهد انقلاب دیگری در فرانسه بودم، در قرن بیست و یکم و از جنس دیگر. انقلاب‌های جدید در دنیا مدخلش عوض شده. در فضای ذهنی مردم ما (چه موافق و چه مخالف دولت) و مسئولین، انقلابی گری تداعی به هم ریختن، درگیری و مرگ بر این و فحش بر آن است. در دنیایی که کابوس گرمایش کره زمین جان کره زمین را در خطر قرار داده است، آرمان گرایی مفهوم دیگری دارد. امروز مرگ بر آمریکا گفتن، با عمل نکردن به رفتارهای مخرب زندگی آمریکایی قرن بیستم معنی دارد. عمل نکردن به رفتار آمریکایی، یعنی مرگ بر خودرو گفتن و زنده باد دوچرخه است!

امروز یک انقلابی باید هدفش هوای پاک باشه، هدفش زندگی باشه، یک انقلابی دو آتشیه، فرقی نمی کنه کدام طرفی، باید شعارش نجات مردم ایران از کابوس آلودگی و ترافیک و رفتارهایی باشد که زندگی را از ما گرفته است.

هدف ما باید حذف مدیران و شهرداریانی باشد که صد برابر بدتر از بمب شهرهای ما را آلوده کرده‌اند و جان ما و فرزندانمان را در معرض خطر قرار داده‌اند. ایجاد صنایع آلوده کننده در جهت تامین نیازهای کمپانی‌های غربی و چینی، جنایت علیه مردم خودمان است. دشمنان ما امروز کسانی جز آلوده کنندگان هوا نیستند. آنهایی که باران سرب و انواع آلایندوها را بر میلیونها ریه می‌ریزند و زیست ما را چنان سخت کرده‌اند تا مردم ما یکی یکی از کشور بروند. ما باید این دشمن را بشناسیم و علیه اش انقلاب کنیم، انقلابی سبز، با آرمان آسمانی آبی.

انقلاب سبز در میدان جمهوری پاریس



حسین آخانی
فرانسوی‌ها را به انقلابی گریشون می‌شناسند. بعد از ۳۳ سال که من مجدداً به پاریس آمدم، با شهر جدیدی مواجه شدم. تحولاتی که در این مدت در این شهر اتفاق افتاده شبیه یک انقلاب است.

بیخود نیست که بزرگترین پیمان اقلیمی جهان در این شهر امضا شده است. شهردار پاریس با کمک مردم به سرعت شهر را در مسیر یک شهر زیست پذیر، انسان و طبیعت محور تغییر داده است. مردم با انتخاب مجدد خانم آنه هیدالگو خود را از سیاست‌های خودرزدایی از شهر اعلام کردند. شهر پر از خطوط دوچرخه است، نه تنها خطوط دوچرخه اختصاصی، بلکه خطوط ویژه اتوبوس هم با دوچرخه‌ها مشترک شده است. دوچرخه‌های اشتراکی فراوان و بسیار ارزان کل شهر را پر کرده است. خطوط دوچرخه پر از دوچرخه سواران زن و مردی است که کودکان و حتی نوزادان خود را با دوچرخه و سه چرخه در هوای سرد و بارانی پاریس جابجا می‌کنند. پیاده روها به حدی خوب شده که با کاهش عرض خیابان‌ها، شهر را برای پیاده روها، بخصوص افراد کم توان راحتتر کرده‌اند. مسیرهای خودروها بسیار تنگ و سخت شده است. اصلاً خودروسواری در این شهر به کاری قبیح و زشت شبیه است. اکثر پارکینگ‌های کنار خیابانها را جمع کرده‌اند. به جای پارکینگ، محل شارژ خودروهای برقی زیاد شده است. اگر هم

پارکینگی باشه اینقدر گرونه که برای چند ساعت پارک گاهی باید تا ۳۰-۴۰ یورو بدهی و یا خودرو را در پارکینگ‌های زیر زمینی و دور از دسترس پارک کنی.

محیطهای طبیعی در حال گسترش است. هدف ایجاد کریدورهای طبیعی و بازسازی محیطهای زندگی گیاهان خودرو و جانوران خود زی است. جانور هم سگ و گربه ولگرد نیست. حتی یک سگ و گربه ولگرد در شهر وجود ندارد. جانوران همان موجودات خود زی مانند پرندهگان هستند که غذای خود را خود تامین می‌کنند.

یک اتفاق عجیب کوچک کردن مسیر و فضای خودروها در اطراف میدانهاست. مثلاً میدان جمهوری که سمبل انقلاب فرانسه است، دچار یک انقلاب بزرگ شده است. میدانی که تا چند سال پیش محل عبور و مرور خودروها بود، الان محل عبور پیاده روها و دوچرخه سوارهاست.

تحولاتی که من در پاریس دیدم با آنچه در تهران، اراک، اهواز، اصفهان، تبریز و مشهد می‌گذرد از زمین تا آسمان فرق دارد. رویکرد شهر سازی در دنیایی که گرمایش زمین آن را تهدید می‌کند، کاهش مصرف انرژی و عدم استفاده از سوخت‌های فسیلی در حمل و نقل است. محور حمل و نقل پاک هم دوچرخه است که متأسفانه شهرداری‌های ما، نه تنها با آن بیگانه‌اند که گاهی (مانند شهردار فعلی تهران و شورای شهر تهران) با آن در ستیزاند. شهرداری‌ها ما که تا خرخره در سیاست فرورفته، به دور از دانش در راستای منافع بتن گرایان و مافیای ساخت بزرگراه، خیابان، پل و زیر گذر دنبال چاله کنی برای به هدر دادن منابع مالی شهروندان. مدیرانی که ساخت یک باغ گیاهشناسی کوچک در شهر را تحمل نکردند و برچها را بر فراز باغ گیاهشناسی قدیمی غم می‌کنند؛ در حالی که پارادایم جدید

تجدید مناقشه عمومی یک مرحله ای
با ارزیابی کیفی به روش یکپارچه
 شماره ۱۴۰۲/۲۲۹
 شناسه آگهی: ۱۶۰۷۴۵۳
 م الف / ۳۲۹۰
 شرح در صفحه ۳